



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۴/۱۶

نویسنده: ن . جلیل زاد

لاشخوار تاریخ در چراگاه تاریخ

مزدور استخبارات ، مغز اش مزدور ، قصه های جعلی نویس ، بلندگوی استخبارات ، تاریخ دزد ، جغرافیا فروش، خالق لعلزاد؟

نه خالق حقیقت، بلکه خالق تحریف، خالق نفاق، خالق خیانت.

باید خودش و کتابش را نه در کتابخانه، بلکه در دادگاه تاریخ محاکمه کرد ، به جرم خیانت به وجدان ملی.

این نبرد، نبرد حافظه ملی با جعلکاران تاریخ است.

نقد بر کتاب

«تاریخ و جغرافیای افغان ها و افغانستان»

افشای یک روایت سازی ایدئولوژیک و پیامدهای خطرناک آن برای حافظه ملی

در تاریخ نگاری معاصر افغانستان، همواره آثاری پدید آمده اند که نه برای روشن کردن حقیقت، بلکه برای تثبیت یک

روایت ایدئولوژیک نوشته شده اند، آثاری که هدف شان نه فهم گذشته، بلکه مهندسی ذهنیت جمعی و بازتولید یک

هویت مطلوب برای گروهی خاص بوده است. کتاب «تاریخ و جغرافیای افغان ها و افغانستان» از خالق لعل زاد ،

نیز در همین دسته قرار می گیرد، اثری که با ظاهر تحقیقی، اما با محتوایی آمیخته به گزینش گری، حذف، ساده

سازی و تفسیرهای جهت دار، تلاش می کند تاریخ و هویت یک ملت را در قالب یک روایت تک بعدی احمقانه

بازنویسی کند.

این قلم ، با شیوه ای تحلیلی، به بررسی ادعاهای این کتاب، روش شناسی آن، پیامدهای فکری و اجتماعی اش، و

خطراتی که برای حافظه تاریخی افغانستان ایجاد می کند می پردازد .

هدف این نوشته، نه حمله شخصی، بلکه افشای یک الگوی خطرناک در جعل هویت ملی و تحریف تاریخ است،

الگویی که اگر نقد نشود، می تواند بنیان های فکری نسل های آینده را مخدوش سازد.

بحران روش شناسی

وقتی تاریخ نگاری جای خود را به روایت سازی می دهد

هر اثر تاریخی، پیش از هر چیز، باید بر روش استوار باشد:

تعریف دقیق مفاهیم

استفاده شفاف از منابع

تفکیک داده از تفسیر

رعایت بی طرفی

و پرهیز از تعمیم های شتاب زده

اما در این کتاب، روش شناسی جای خود را به گزینش گری هدفمند داده است.

منابعی که انتخاب شده اند، یا:

از نظر علمی ضعیف اند،

یا ترجمه های جهت دار از متون دیگر،

یا نقل قول هایی بدون سند دقیق،

یا منابعی که تنها در خدمت یک روایت خاص قرار دارند.

در چنین وضعیتی، کتاب نه یک تحقیق تاریخی، بلکه یک پروژه ایدئولوژیک می شود، پروژه ای که هدفش نه کشف

حقیقت، بلکه ساختن یک «حقیقت مطلوب» است.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ

انحصار لغات «افغان»: :
تحریف یک مفهوم ملی
یکی از بحث برانگیزترین بخش های کتاب، تلاش برای انحصاری سازی لغت «افغان» است.
این واژه، در طول تاریخ، بارها تغییر معنا داده و در دوره های مختلف، به گروه های مختلف اطلاق شده است.
اما کتاب، با نادیده گرفتن این تحول تاریخی، می کوشد آن را به یک قوم خاص محدود کند.
این کار از چند جهت مشکل ساز است:
بی اعتنایی به شواهد زبان شناسی
در متون فارسی، عربی، ترکی و حتی اروپایی، لغت «افغان» در دوره های مختلف معانی متفاوت داشته است.
نادیده گرفتن این تحول، یک خطای بنیادی است.
حذف هویت چندقومیتی افغانستان
افغانستان، از آغاز شکل گیری سیاسی اش، یک واحد چندقومیتی بوده است.
تقلیل هویت ملی به یک قوم، پاک سازی هویتی است، نه تحقیق تاریخی.
پیامدهای اجتماعی
چنین ادعایی، به جای تقویت وحدت ملی، شکاف های اجتماعی را عمیق تر می کند و زمینه بی اعتمادی میان اقوام را افزایش می دهد.
حذف نام «افغانستان»
تلاش برای بریدن ریشه های حافظه ملی
یکی از خطرناک ترین بخش های کتاب، تلاش برای کم رنگ کردن یا حذف نام «افغانستان» از حافظه تاریخی است.
این حذف، نه یک بحث علمی، بلکه یک پروژه هویتی است.
افغانستان، در دو قرن اخیر، نه فقط یک واحد سیاسی، بلکه:
نماد مقاومت،
نماد فرهنگ مشترک،
نماد شعر و زبان،
و نماد هویت چندقومیتی بوده است.
نادیده گرفتن این نام، یعنی بریدن ریشه های حافظه جمعی.
این کار، نه اشتباه علمی، بلکه خطرناک ترین نوع تحریف تاریخی است.
وارونه سازی تاریخ :
ستایش دوره های استبداد و حذف مقاومت ها
کتاب، در روایت تاریخ، یک الگوی ثابت دارد:
دوره هایی که با انحصار، تبعیض و سرکوب همراه بوده اند، با زبان مثبت توصیف می شوند.
اما دوره هایی که با عدالت خواهی، مقاومت مردمی و تلاش برای برابری همراه بوده اند، یا حذف می شوند یا تحریف.
این وارونه سازی، نشان می دهد که هدف کتاب، فهم تاریخ نیست، بلکه مشروعیت بخشی به یک روایت خاص است.
حذف زنان، اقلیت ها و روشنفکران
یکی از نشانه های آثار ایدئولوژیک، حذف گروه هایی است که با روایت رسمی سازگار نیستند.
در این کتاب نیز:
زنان،
اقلیت پهای قومی و مذهبی،
و روشنفکران عدالت طلب
یا حذف شده اند یا با نگاه تحقیرآمیز معرفی شده اند.
این حذف، بازتولید همان بی عدالتی تاریخی است که افغانستان دهه ها با آن دست و پنجه نرم کرده است.
بحران زبان :
ادبیات کودکانه در پوشش تحقیق
با وجود ادعای استفاده از صدها منبع، زبان کتاب:
احساسی،

تبلیغاتی،
و فاقد عمق تحلیلی است.
این زبان، نه زبان تحقیق، بلکه زبان افناعم ایدئولوژیک است، زبانی که هدفش نه توضیح، بلکه القا است.
پیامدهای اجتماعی و فکری چنین آثاری
کتاب هایی از این دست، تنها یک مشکل علمی ندارند، آن ها بنیان های فکری یک جامعه را تهدید می کنند.
پیامدهای چنین روایت سازی هایی عبارت اند از:
تضعیف وحدت ملی
تقویت شکاف های قومی
بی اعتمادی میان گروه ها
تحریف حافظه تاریخی نسل های آینده
مشروعیت بخشی به انحصارطلبی
وقتی تاریخ تحریف شود، جامعه توانایی فهم گذشته و ساختن آینده را از دست می دهد.
ضرورت نقد بی رحمانه آثار تحریفگر
نقد چنین آثاری، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت است.
زیرا تاریخ، حافظه جمعی یک ملت است،
و هرگونه دستکاری در آن، خیانت به وجدان ملی است.
نقد علمی و مستند، بهترین ابزار برای مقابله با تحریف است.
این نقد باید:
دقیق،
مستند،
بی طرف،
و بی باک باشد.
زیرا سکوت در برابر تحریف، خود نوعی مشارکت در آن است.
جمع بندی: چرا این کتاب باید نقد شود؟
این کتاب، نه یک تحقیق علمی، بلکه یک پروژه ایدئولوژیک است که تلاش می کند:
هویت ملی را تقلیل دهد،
تاریخ را وارونه کند،
حافظه جمعی را تضعیف کند،
و یک روایت تک قومیتی را جایگزین واقعیت چندقومیتی افغانستان سازد.
نقد این اثر، دفاع از حقیقت نیست،
دفاع از آینده افغانستان است.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاڼونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ